

## یاد مرگ و آثار تربیتی آن

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان\*

### اشاره

از نظرگاه قرآن و روایات، دلبستگی به حیات دنیوی، مهم‌ترین عامل فراموشی خداوند و روز قیامت است. کسانی که خداوند و روز حساب را فراموش کنند، در قیامت خود فراموش شده، به صورتی نابینا وارد محشر می‌شوند. راهکار اصلی، رهایی از دنیاگرایی، ایمان قوی به قیامت و یاد مرگ است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله زیرک‌ترین مؤمنان را کسانی می‌داند که بیش از همه به یاد مرگ باشند و بیش از همه برای آن آماده باشند. یاد مرگ، افق دید انسان را تا بی‌نهایت بالا می‌برد و اعمال او را به سوی آخرت سوق می‌دهد. انسان با یاد مرگ، زندگی دنیوی خود را در جهت حیات اخروی مدیریت و مهندسی می‌کند. یاد مرگ، انجام اعمال صالح، نابودی آرزوهای طولانی و کسب آمادگی برای مرگ را به دنبال دارد.

این بحث، در محورهای زیر سامان یافته است:

### ۱. تردیدناپذیری مرگ

مرگ، به معنای جدایی روح از بدن، حقیقتی است که هیچ کس در آن تردیدی ندارد و همه انسان‌ها با آن مواجه خواهند شد:

«كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»<sup>۱</sup> جز ذات او، همه چیز

نابودشونده است. فرمان از آن او است و به سوی او بازگردانده می‌شوید.»

---

\* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی.

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُّوكُمْ بِالْأَشْرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ»<sup>۱</sup> هر نفسی، چشنده مرگ است و شما را از راه آزمایش به خوب و بد خواهیم آزمود و به سوی ما باز گردانیده می شوید.»

«أَيُّمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ»<sup>۲</sup> هر کجا باشید، شما را مرگ در می یابد؛ هر چند در برج های استوار باشید.

هر که آمد به جهان اهل فنا خواهد بود آن که پاینده و باقی است خدا خواهد بود

## ۲. یاد مرگ

حال که چنین است، شایسته است خود را برای این رویداد آماده کنیم. زمانی که امام حسن مجتبی (ع) در بستر شهادت بود، جُناده بن ابی امیه به عیادت ایشان رفت و پس از گفت گویی، از امام موعظه ای خواست امام فرمود:

«اسْتَعِدِّ لِسَفَرِكَ وَحَصِّلْ زَادَكَ قَبْلَ حُلُولِ أَجَلِكَ»<sup>۳</sup> برای سفری که در پیش داری، خود را آماده ساز و توشه این سفر را قبل از آن که زمان کوچ کردن فرا رسد، مهیا کن.»

علی (ع) درباره یادآوری مرگ می فرماید:

«وَأَوْصِيكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَإِقْلَالِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ وَكَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ»<sup>۴</sup> مردم! شما را به یاد آوری مرگ سفارش می کنم، از مرگ کمتر غفلت کنید. چگونه مرگ را فراموش می کنید در حالی که او شما را فراموش نمی کند؟»

به فکر سرای بقا باش جاننا منه دل به امید دنیای فانی

## ۳. نگرش های متفاوت درباره مرگ

یادآوری مرگ، دو نوع تأثیر متفاوت بر انسان ها دارد. دسته ای از انسان ها که دارای جهان بینی مادی هستند و مرگ را نابودی می پندارند (مادیون)، با یاد مرگ دچار

۱. انبیاء، آیه ۳۵.

۲. نساء، آیه ۷۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۳۸.

۴. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۸۸.

افسردگی و ناامیدی می‌گردند. به همین جهت، همه سعی و تلاش شان آن است که مرگ را فراموش کنند و به فکر زندگی دنیوی و بهره‌مندی هر چه بیشتر از آن باشند. خداوند درباره این دسته می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ \* أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۱</sup> کسانی که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند و کسانی که از آیات ما غافل‌اند، آنان به [کیفر] آنچه به دست می‌آورند، جایگاهشان آتش است.»

در مقابل، انسان‌های مؤمن قرار دارند که دارای جهان‌بینی توحیدی هستند و نه تنها مرگ را نابودی نمی‌پندارند، بلکه معتقدند حیات واقعی و حقیقی انسان در سرای آخرت است. به همین جهت، همه سعی و تلاش آن‌ها این است که از این فرصت که خداوند در دنیا در اختیارشان قرار داده، استفاده کامل را ببرند. خداوند درباره مؤمنان می‌فرماید:

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، پروردگارشان به پاس ایمانشان آنان را هدایت می‌کند به باغ‌هایی [پر از ناز و] نعمت، که از زیر پای آنان نهرها روان خواهد بود. نیایش آنان در آن جا «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ! خدایا! تو پاک و منزهی» و درودشان در آن جا سلام است، و پایان نیایش آنان این است که: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۲</sup> (ستایش ویژه پروردگار جهانیان است).»

بنابراین، یاد مرگ برای مؤمنان نه تنها موجب افسردگی و ناامیدی نمی‌شود، بلکه آن‌ها را به سوی امید و نشاط هر چه بیشتر سوق می‌دهد تا امیدوارانه به آبادانی هر چه بیشتر حیات اخروی خود بپردازند؛ اما مشکل این جا است که ممکن است جذابیت‌ها و لذت‌های دنیا با کمک هواهای نفسانی و شیطان بر سبک زندگی مؤمنان تأثیر بگذارد و آنان را همانند کافران از حیات اخروی غافل نمایند. به همین جهت، قرآن کریم و روایات بر یادآوری مرگ تأکید کرده‌اند تا مؤمنان فریفته ظواهر و تجملات دنیا نشوند.

۱. یونس، آیه ۷ و ۸.

۲. یونس، آیه ۱۰.

۳. همان.

#### ۴. نقش دنیا طلبی در فراموشی مرگ

از نظر اسلام، انسان موجودی هدفمند است که پس از زندگی در این دنیا، به سرای آخرت سفر خواهد کرد: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ؛ آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما باز گردانیده نمی‌شوید؟» اما متأسفانه، دنیا طلبی و دل بستگی به زندگی دنیوی سبب می‌شود که شخص از هدف خلقت و زندگی جاوید غافل شود. بیماری غفلت سبب می‌شود، انسان ابزارهای درک حقیقت را از دست بدهد و به زندگی حیوانی مبتلا گردد:

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛<sup>۱</sup> در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند، و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند. آنان همانند چارپایان، بلکه گمراه‌ترند. [آری،] آن‌ها همان غافلان‌اند.»

علی علیه السلام درباره پرهیز از دنیا پرستی می‌فرماید:

«شما را از دنیا پرستی می‌ترسانم؛ زیرا منزل‌گاهی است برای کوچ کردن، نه منزلی برای همیشه ماندن. دنیا خود را با غرور زینت داده و با زینت و زیبایی می‌فریبد. خانه‌ای است که نزد خداوند بی‌مقدار است؛ زیرا که حلال آن با حرام، و خوبی آن، بدی، و زندگی در آن با مرگ، و شیرینی آن با تلخی‌ها درآمیخته است. خداوند آن را برای دوستانش انتخاب نکرده و در بخشیدن آن به دشمنانش دریغ نموده.<sup>۲</sup>»

سپس حضرت در نکوهش غافلان می‌فرماید:

«یاد مرگ از دل‌های شما رفته و آرزوهای فریبنده جای آن را گرفته است و دنیا بیش از آخرت، شما را تصاحب کرده و متاع زودرس دنیا، بیش از متاع جاویدان

۱. مؤمنون، آیه ۱۱۵.

۲. اعراف، آیه ۱۷۹.

۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۱۳.

آخرت در شما نفوذ کرده است و دنیازدگی قیامت را از یادتان برده است. همانا شما برادران دینی یکدیگرید، چیزی جز درون پلید و نیت زشت شما را از هم جدا نساخته است. نه یکدیگر را یاری می‌دهید، نه خیرخواه یکدیگرید و نه چیزی به یکدیگر می‌بخشید و نه به یکدیگر دوستی می‌کنید. شما را چه شده است که با به دست آوردن متاعی اندک از دنیا شادمان می‌گردید و از متاع بسیار آخرت که از دست می‌دهید، اندوهناک نمی‌شوید!<sup>۱</sup>

غفلت و فراموشی انسان، ریشه در غریزه حیوانی و هوای نفس دارد. انسان افزون بر داشتن فطرت الهی، دارای غریزه حیوانی است، که این غریزه موجب می‌شود بیشتری مردم به مسائل مهم زندگی توجه نکنند. آنان توجه ندارند که هدف‌هایی هست که باید به آن‌ها رسید، حقی هست که باید پذیرفت و باطلی که باید رها کرد، راه صحیحی هست که باید برگزید و بیراهه‌هایی که از آن‌ها نباید رفت. غرایز حیوانی با کمک اوضاع خارجی، انگیزه‌هایی برای غافلان پدید می‌آورد و آنان در پی آن انگیزه‌ها حرکت می‌کنند.<sup>۲</sup> قرآن درباره جایگاه این افراد در قیامت می‌فرماید:

«فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»<sup>۳</sup> پس به [سزای] آن‌که دیدار این روزتان را از یاد بردید [عذاب را] بچشید؛ ما [نیز] فراموشتان کردیم و به [سزای] آنچه انجام می‌دادید، عذاب جاودان را بچشید.»

«وَقِيلَ الْيَوْمَ نُنَسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ»<sup>۴</sup> و گفته شود: همان‌گونه که دیدار امروزتان را فراموش کردید، امروز شما را فراموش خواهیم کرد و جایگاه‌تان در آتش است و برای شما یاورانی نخواهد بود.»

۱. همان.

۲. مصباح یزدی، انسان‌شناسی در قرآن، ص ۸۸.

۳. سجده، آیه ۱۴.

۴. جاثیه، آیه ۳۴.

مراد از غفلت و فراموشی، نوعی جهالت بینشی، انفسی و عملی است؛ به گونه‌ای که انسان مسحور حیات مادی و ظاهری دنیوی گشته، حیات حقیقی و اخروی خود را نادیده می‌گیرد:

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»<sup>۱</sup> از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند و حال آن‌که از آخرت غافل‌اند.

به همین جهت، باطن حقیقی غافلان در قیامت که محل ظهور حقایق است، این گونه ظاهر می‌شود:

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» \* قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا \* قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسَيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى؛<sup>۲</sup> هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم. می‌گوید: پروردگارا! چرا مرا نابینا محسور کردی، با آن‌که بینا بودم؟ می‌فرماید: همان طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان گونه فراموش می‌شوی.

این در حالی است که خداوند همواره از طریق قرآن کریم، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام، علمای ربّانی، فطرت و عقل روشنگر و نیز حوادث و رویدادهایی که در طول زندگی برای انسان رخ می‌دهد (مانند مرگ عزیزان)، به هدایت و بیداری انسان‌ها پرداخته است.

راه برون‌رفت از معضل دنیاطلبی و غفلت، تقویت ایمان به خداوند و روز قیامت است. ایمان، به‌ویژه از طریق تلاوت و تدبیر در آیات قرآن کریم، مطالعه احادیث معتبر، بالابردن سطح معلومات دینی و اخلاقی، تقیّد به عبادت، خاصه نماز اول وقت، یاد مرگ و تهیه زاد و توشه برای آن، حاصل می‌شود.

۱. روم، آیه ۷.

۲. طه، آیه ۱۲۴-۱۲۶.

## ۵. تأثیر یاد مرگ در سبک زندگی

در قرآن کریم درباره اهمیت یاد مرگ و قیامت آمده است:

«وَأذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ، إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ \* وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ»<sup>۱</sup> و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده‌ور بودند به یاد آور. ما آنان را با موهبت و ویژه‌ای که یادآوری آن سرای بود، خالص گردانیدیم و آنان در پیشگاه ما جدا از برگزیدگان نیکان‌اند.»

علامه طباطبائی رحمته‌الله در تفسیر این آیه می‌نویسد:

کلمه ید و بصر، وقتی قابل مدح‌اند که انسان آن دو را در جایی که خداوند دستور داده، به کار برد؛ یعنی انسان با دست خود اعمال نیک انجام دهد و خیر و خوبی را به مردمان برساند و با چشم خود راه‌های سلامت را از راه‌های هلاکت تشخیص دهد و و خود را به حق برساند. وقتی خداوند می‌فرماید ابراهیم و اسحاق و یعقوب دارای دست و چشم بودند، در حقیقت، می‌خواهد به کنایه بفهماند که این پیامبران در اطاعت از خداوند و رساندن خیر به خلق و بصیرتشان در تشخیص اعتقادات و اعمال حق، بسیار قوی بودند.

علامه رحمته‌الله در ادامه می‌فرماید:

جمله «إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ»، تعلیل است برای ایدی و ابصار یعنی این پیامبران دارای ایدی و ابصار بودند؛ برای این‌که وقتی انسان در یاد آخرت و جوار ربّ العالمین غرق شود و همه همّتش آخرت باشد، قهراً این شخص معرفتش نسبت به خداوند کامل و نظرش در تشخیص عقاید حق مصاب می‌گردد و در سلوک راه عبودیت بصیرت پیدا کرده، دیگر بر ظاهر حیات دنیا و زینت آن جمود نخواهد ورزید. بنابراین، این پیامبران، صاحبان ایدی و ابصارند؛ زیرا خداوند آن‌ها را به خصلتی بس عظیم و پاک خالص گردانیده است که عبارت باشد از یاد مرگ و سرای آخرت.<sup>۲</sup>

۱. ص، آیه ۴۵ و ۴۷.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۷ ذیل آیه شریفه.

در واقع، خداوند این پیامبران را با موهبت ویژه‌ای که همان یاد سرای آخرت باشد، برای خود خالص گردانید. خداوند با لطف خویش یاد آخرت را در کانون جانشان زنده ساخت و این سبب شد آنان راه پارسایی و پروایی را در پیش بگیرند.<sup>۱</sup>

پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره اهمیت یاد مرگ می‌فرماید:

«أَفْضَلُ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا ذِكْرُ الْمَوْتِ وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَأَفْضَلُ التَّفَكُّرِ ذِكْرُ الْمَوْتِ فَمَنْ أَثَقَلَهُ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَجَدَّ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ؛<sup>۲</sup> برترین زهد در دنیا، یاد مرگ است. برترین عبادت، یاد مرگ است. برترین تفکر، یاد مرگ است. کسی که سنگینی یاد مرگ را احساس کند (یاد مرگ بر او اثر گذارد)، قبر خود را باغی از باغ‌های بهشت می‌یابد.»

بسیار شایسته است، ما انسان‌ها ساعاتی از عمر خود را به این مهم اختصاص دهیم. کسانی که زیاد به یاد مرگ باشند و ذکر مرگ در نفوس آنان ثابت و استوار شده باشد، قطعاً در صدد چاره‌جویی بر آمده، خود را برای این سفر طولانی آماده خواهند کرد؛ اما اگر یاد مرگ تنها لقلقه زبان باشد و با روح و قلب انسان ارتباطی برقرار نکند، ثمره چندانی نخواهد داشت. پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ ابوذر غفاری که زرنگ‌ترین مؤمنان چه کسی است، می‌فرماید:

«أَكْثَرُهُمْ لِلْمَوْتِ ذِكْرًا وَأَحْسَنُهُمْ لَهُ اسْتِعْدَادًا؛<sup>۳</sup> زرنگ‌ترین مردم کسی است که بیش

از همه به یاد مرگ باشد و خود را بهتر از همه برای مرگ آماده ساخته است.»

کسانی که هدف و مسیری را انتخاب کرده‌اند، اگر زرنگ و باهوش باشند، پیوسته به هدف توجه داشته، سعی می‌کنند از مسیر نیل به آن منحرف نگردند تا زودتر به مقصد برسند؛ مؤمنانی که می‌دانند مقصد اصلی، نیل به قرب الهی و مسیر مستقیم آن بندگی خداوند است «وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»<sup>۴</sup> توجه دارند که دنیا فقط وسیله‌ای است برای رسیدن به آخرت. به همین دلیل، جاذبه‌های مادی آن‌ها را فریفته

۱. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸۷، ص ۷۴۶-۷۵۰.

۲. میزان الحکمه، ج ۹، ح ۱۸۸۴۲.

۳. فروع کافی، ج ۳، کتاب الجنائز، باب النوادر، ح ۲۷.

۴. یس، آیه ۶۱.



نمی‌سازد و از مسیر دور نمی‌کند. اگر مرگ این افراد فرا رسد، با دستی پر و توشه‌ای سرشار به سوی خدا می‌روند.<sup>۱</sup>

یاد مرگ، در ادعیه عارفانه امام زین العابدین (علیه السلام) جلوه‌ای ویژه دارد. آن حضرت در دعای معروف به ابوحمزه ثمالی چنین عرضه می‌دارد:

«آقای من! دوستی دنیا را از دلم بیرون بیاور... و یاری کن مرا به گریه کردن بر حال خودم. پس همانا با تاخیر انداختن و آرزوها زندگانی ام را تباه گردانیدم و همانا تنزل کردم به منزل‌های ناامیدان از کارهای نیکم. پس چه کسی از من بد حال تر می‌شود. اگر من با همین حال بدم به قبرم منتقل گردم، صاف و هموار نکرده‌ام آن را برای خوابیدنم و مفروش نساخته‌ام با کردار نیک برای آرمیدنم و چرا من گریه نکنم؟ و در حالی که نمی‌دانم بازگشتم به کجا ختم می‌شود، و می‌بینم نفسم را که حيله‌گری می‌کند با من، و روزگارم که مرا گول می‌زند و در حرکت است بالای سرم بال‌های مرگ، پس چرا من گریه نکنم؟ گریه می‌کنم برای بیرون آمدن جانم، گریه می‌کنم برای تاریکی قبرم، گریه می‌کنم برای تنگی شکاف گورم، گریه می‌کنم برای بازپرسی دو فرشته منکر و نکیر از من، گریه می‌کنم برای بیرون آمدنم از گورم به حالت لخت و خوار، در بردارنده بار سنگین گناهانم بر پشتم، نگاه می‌کنم یکبار به طرف راستم و بار دیگر از طرف چپم، آن هنگام که مخلوقات در وضعی غیر از وضع من‌اند، برای هر کسی از ایشان وضعی است که بی‌نیاز می‌کند او را از دیگری چهره‌هایی در آن روز گشاده و شادمان و چهره‌هایی که در آن روز بر آن‌ها است تیرگی، و آن‌ها را سیاهی و خواری پوشانده. آقای من بر تو است تکیه‌گاه من، اعتماد من و امید من و توکل من.»<sup>۲</sup>

آری، یاد مرگ از مهم‌ترین راه‌های سلوک معنوی و دوری از غفلت و دل‌بستگی به زندگی زودگذر دنیوی است. یاد مرگ، مستلزم تلاش برای خوشبختی حیات ابدی

۱. ره‌توشه (مشکات)، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی.

است، یاد مرگ حرکت‌آفرین است و انسان را امیدوارانه به تحرک و پویایی وامی‌دارد. در نتیجه، سفارش به یاد مرگ بدان منظور نیست که انسان از زندگی دنیوی خود دست بردارد؛ بلکه هدف اصلی در این توصیه‌ها آن است که جهت زندگی و هدفی که باید از زندگی داشت فراموش نشود. یاد مرگ، به زندگی جهت می‌بخشد و سبب می‌شود انسان حیات دنیوی خود را به‌درستی مدیریت کند.

### ۶. آثار تربیتی یاد مرگ

تربیت، به معنای پرورش استعدادهای مادی و معنوی انسان به سوی اهداف و کمالاتی است که خداوند برای انسان معین نموده است. قرب به حضرت حق، از اهداف نهایی تربیت اسلامی است که تنها از طریق ایمان و انجام کارهای شایسته تحقق می‌پذیرد. کسی که ایمان به آخرت دارد و همواره به یاد مرگ و نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های جهنمی است، می‌داند که همه اعمالش به‌زودی در دادگاهی مورد قضاوت قرار می‌گیرد که قضاوت آن از همه چیز آگاه‌اند، مسلماً چنین فردی نه فقط در اصلاح خود می‌کوشد، بلکه در انجام اعمال گوناگونش فوق‌العاده سخت‌گیر و موشکاف خواهد بود.<sup>۱</sup> بر عکس، کسی که قیامت را انکار می‌کند و یا ایمانی ضعیف به آن دارد، هیچ مانعی برای رفتار و گفتار خود نمی‌بیند و همه سعی او آن است که امیال حیوانی خود را ارضا کند. از نظرگاه قرآن کریم، یکی از عوامل انکار و یا فراموشی معاد، تمایل انسان به انجام کارهای ناروا و ارضای خواسته‌های حیوانی است:

«بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ \* يَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ؟ أُولَىٰ نَه، انسان می‌خواهد

که در پیشگاه او فسادکاری کند. می‌پرسد: روز رستاخیز چه وقت است؟»

برخی از آثار تربیتی عبارت‌اند از:

#### ۶-۱. آمادگی برای پذیرش مرگ

کسانی که همواره به یاد مرگ هستند، آماده‌اند آن را با آغوش باز بپذیرند. علی علیه السلام

به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

۱. پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)، ج ۵، ص ۳۸۵.

۲. قیامت، آیه ۵ و ۶.

«فرزندم، بسیار به یاد مرگ باش و به یاد آنچه در آن افتی و پس از مرگ به سوی آن کشانده شوی، تا آن‌گاه که بر تو درآید، با تمام توان در برابرش آماده و کمر خود را برای آن بسته باشی؛ نه آن‌که ناگهان بر تو در آید و نفست را ببرد.»<sup>۱</sup>

## ۲-۶. زنده شدن جان آدمی

حیات واقعی انسان، نه به حیات ظاهری، بلکه به حیات باطنی و روحی او بستگی دارد. کسانی حقیقتاً زنده‌اند که قلبشان با یاد خدا و ایمان به معاد زنده باشد. کسی که قلباً به خداوند و روز قیامت ایمان ندارد، اگرچه به ظاهر در جامعه رفت و آمد دارد، اما در حقیقت میتی است متحرک. معیار زنده و مرده بودن اشخاص، زنده و مرده بودن قلوب و باطن آن‌ها است. یاد مرگ قلب‌ها را زنده و مردن را آسان می‌کند:

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ، فَمَا مِنْ عَبْدٍ أَكْثَرَ ذِكْرَهُ إِلَّا أَحْيَا اللَّهُ قَلْبَهُ وَهُوَ عَلَى الْمَوْتِ؛<sup>۲</sup> مرگ را فراوان یاد کنید؛ زیرا هیچ بنده‌ای آن را بسیار یاد نکرد، مگر این‌که خداوند دلش را زنده گردانید و مردن را بر او آسان ساخت.»

## ۳-۶. زدودن رذایل اخلاقی

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَيَقْطَعُ مَنَابِتَ الْعَفْلَةِ وَ يُقَوِّي الْقَلْبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ وَيَرِقُّ الطَّبَعُ وَيُكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَى وَيُطْفِئُ نَارَ الْحَرِصِ وَيُحَقِّرُ الدُّنْيَا وَهُوَ مَعْنَى مَا قَالَ النَّبِيُّ فِكْرُ سَاعَةِ خَيْرٍ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ؛<sup>۳</sup> یاد مرگ شهوات را در درون آدمی می‌میراند و ریشه‌های غفلت را از دل برمی‌کند، قلب را به وعده‌های الهی نیرومند می‌سازد، و به جان نرمی و لطافت می‌بخشد، نشانه‌های هواپرستی را درهم می‌شکند، آتش حرص را خاموش و دنیا را در نگاه آدمی کوچک می‌سازد. و این معنای سخن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که گفت: ساعتی فکر و اندیشه، از یک سال عبادت برتر است.»

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۱۵، ح ۴۲۱۰۵.

۳. مصباح الشریعه، باب ۸۱.

#### ۴-۶. دشمنی با آرزوهای فریبنده

مطابق روایات، از عوامل مهم فراموشی مرگ، آرزوهای طولانی است:

«إِيَّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِثْنَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ، فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ؛<sup>۱</sup> ای مردم! همانا بر شما از دو چیز می‌ترسم: هواپرستی و آرزوهای طولانی. اما پیروی از خواهش نفس، انسان را از حق باز می‌دارد و آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد می‌برد.»

یاد مرگ، سبب دشمنی با آرزوهای طولانی می‌شود:

«لَوْ رَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَمَصِيرَهُ لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَعُرُورَهُ؛<sup>۲</sup> اگر بنده خدا اجل و پایان کارش را می‌دید، با آرزو و فریب آن دشمنی می‌ورزید.»

#### ۵-۶. انجام کارهای شایسته با نیت مخلصانه

از منظر اسلامی، ارزش هر کاری به نیت بستگی دارد. ارزیابی یک عمل با دو نیت متفاوت، یکسان نیست. انسان می‌تواند به همه کارهای روزمره خود از خوابیدن، خوردن و نگاه کردن گرفته تا انجام اعمال نیکی چون نماز و روزه رنگ عبادت ببخشد و این در صورتی است که این امور برای رضای خداوند و به جهت بندگی و اطاعت او انجام گیرد. مؤمن می‌تواند چنان زیرک و زرنگ باشد که از لحظه لحظه عمرش در راه خواست و رضای خداوند استفاده برد.<sup>۳</sup> یاد مرگ، در ایجاد نیت قرب الهی نقشی ممتاز دارد:

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا \* إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا؛<sup>۴</sup> و به [پاس] دوستی [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند. ما برای خشنودی

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴۲.

۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۳۳۴.

۳. ره‌توشه (مشکات)، ج ۱، ص ۲۵۸.

۴. انسان، آیه ۸-۱۰.

خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. ما از پروردگارانمان از روز عبوسی سخت، هراسناکیم.»

این آیات درباره گروهی از انسان‌ها است که به غنای کامل اخلاقی رسیده‌اند. قطعاً کسی که غذای خود را در حالی که خود بدان محتاج است، به دیگری می‌بخشد، کاری اخلاقی انجام داده است. ممکن است افراد بسیاری با انگیزه‌های متفاوتی این کار را انجام داده باشند: انگیزه جلب ستایش مردم، دلسوزی و ترحم، احترام به انسانیت و پاداش در بهشت. آنچه انفاق این گروه را برجسته کرده، انگیزه بالا و مخلصانه آن‌ها است. آنان در انفاق خود فقط و فقط محبت الهی و کسب رضایت او را در نظر گرفته‌اند.<sup>۱</sup> مطابق روایات صحیحه، این آیات درباره حضرت علی و فاطمه زهرا علیهم‌السلام و دو فرزند بزرگوارشان امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام نازل شده است.<sup>۲</sup> آری، کسی که از خدا و روز جزا می‌ترسد، آنچه را که خود شدیداً بدان محتاج است، با اخلاص کامل در راه خدا انفاق می‌کند؛ بدون آن‌که انتظار پاداشی و حتی اظهار تشکری داشته باشد. این نشان می‌دهد که ایمان به آن روز بزرگ، انگیزه نیرومندی برای توجه به نیکی‌ها و خلوص نیت است.<sup>۳</sup>

### ۶-۶. پرهیز از ستم به دیگران

«وای بر کم‌فروشان که چون از مردم پیمان‌ه ستانند، تمام ستانند و چون برای آنان پیمان‌ه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند. مگر آنان گمان نمی‌دارند که برانگیخته خواهند شد؟ [در] روزی بزرگ؛ روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پای ایستند.»<sup>۴</sup>

ایمان به معاد و یادآوری مرگ، اثر بازدارنده در ترک ظلم و غصب حقوق مردم دارد. کسانی که در جامعه به فساد می‌پردازند، الزاماً منکر روز قیامت نیستند؛ بلکه گاهی بر اثر ضعف ایمان و غلبه هوای نفس و فراموشی مرگ، مرتکب این گناهان می‌شوند.

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۱۷.

۲. همان، ص ۲۲۴.

۳. پیام قرآن، ج ۵، ص ۳۹۰.

۴. مطففین، آیه ۱ - ۶.

## ۷. نمونه‌ای تاریخی از تأثیر یاد مرگ

علامه مجلسی رحمته الله از کتاب مروج الذهب مسعودی نقل می‌کند: زمانی بدخواهان نزد متوکل، خلیفه عباسی رفتند و از امام هادی علیه السلام بدگویی کردند و گفتند که در منزل ایشان سلاح، نامه و اشیایی هست که از طرف شیعیان قم برای‌شان ارسال شده و ایشان قصد دارند بر ضد حکومت قیام کنند. متوکل به شدت عصبانی شد و مأمورانی را به منزل آن حضرت فرستاد. آنان شبانه به خانه امام هجوم بردند و آن حضرت را در حالی که تنها در اطافی نشسته و به عبادت خدا و تلاوت قرآن مشغول بود، دستگیر و به نزد متوکل بردند. مأموران به متوکل گفتند: ما در خانه او چیزی نیافتیم، او در اطاق خانه‌اش رو به قبله نشسته بود و قرآن تلاوت می‌کرد. متوکل به حضرت احترام نمود و در کنار خود نشاند. سپس جام شرابی را که در دست داشت، به امام تعارف کرد. امام علیه السلام سوگند یاد کرد و فرمود: گوشت و خون من با چنین چیزی آمیخته نشده است، مرا معاف دار. متوکل حضرت را معاف کرد و گفت: شعری بخوان، حضرت فرمود: کمتر اتفاق می‌افتد که من شعری بخوانم. متوکل گفت: باید بخوانی. وقتی امام هادی علیه السلام اصرار او را دید، فرمود:

بَاتُوا عَلَى قُلُلِ الْأَجْبَالِ تَحْرُسُهُمْ      غُلِبَ الرِّجَالِ فَمَا أَغْنَتْهُمْ الْقُلُلُ  
گردن‌کشان بر قله‌های کوهساران، شب را سحر کردند؛ در حالی که مردان نیرومند  
از آنان پاسداری می‌کردند؛ ولی قله‌ها نتوانستند آنان را از خطر مرگ برهانند و سودی  
به ایشان برسانند.

وَاسْتَنْزَلُوا بَعْدَ عِزٍّ مِنْ مَعْقِلِهِمْ      وَأَوْدَعُوا حُفْرًا يَابِسًا مَا نَزَلُوا  
آنان پس از مدت‌ها عزت، از جایگاه امن خود به زیر کشیده شدند و در گودال‌ها  
جای گرفتند. چه منزل و آرامگاه ناپسندی را برگزیدند!

نَادَاهُمْ صَارِخٌ مِنْ بَعْدِ دَفْنِهِمْ      أَيْسِنَ الْأَسِيرَةَ وَالتَّيْجَانَ وَالْحُلُلُ  
پس از آن‌که به خاک سپرده شدند، فریادگری فریاد برآورد: کجا است آن  
دست‌بندها و کجا است آن تاج‌ها و لباس‌های فاخر؟

أَيْسِنَ الْوُجُوهُ الَّتِي كَانَتْ مُنْعَمَةً      مِنْ دُونِهَا تُضْرَبُ الْأَسْتَارُ وَالْكَلَلُ

کجا است آن چهره‌های در ناز که به احترامشان پرده‌های گران‌بها و پره‌های زیبا می‌آویختند؟

فَأَفْصَحَ الْقَبْرُ حِينَ سَاءَ لَهُمْ تِلْكَ الْوُجُوهُ عَلَيْهَا الدُّوْدُ يُقْتَتِلُ

هنگامی که این پرسش از آنان شد، گورهای‌شان از طرف آن‌ها پاسخ دادند: اکنون کرم‌ها بر سر خوردن آن چهره‌ها با هم می‌ستیزند!

قَدْ طَالَ مَا أَكَلُوا دَهْرًا وَمَا شَرِبُوا فَأَصْبَحُوا بَعْدَ طُولِ الْأَكْلِ قَدْ أَكَلُوا

عمری دراز خوردند و آشامیدند و اکنون پس از آن همه عیش و نوش، خود خورده شدند!»

وقتی امام علیه السلام این اشعار را خواند، تمامی اهل مجلس متأثر شدند و گریه کردند. بزم شراب و عیش آن‌ها به سوگ تبدیل شد و همگی جام‌های شراب را بر زمین کوبیدند. متوکل نیز از شدت گریه صورتش خیس شد و دستور داد بساط شراب را برچینند و امام علیه السلام را با احترام به خانه‌اش بازگردانند.<sup>۱</sup>

### منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۳. تاج‌زاده هرنندی، سید مرتضی، رساله معادیه پیرامون عالم قبر و قیامت از دیدگاه آیات و روایات، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
۴. شیخ عباس، قمی، کلیات مفاتیح الجنان، قم: نشر بلاغت، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۵. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اسماعیلیان، قم: چاپ پنجم، ۱۴۱۲ق/ ۱۳۷۱م.
۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح و تحقیق و تعلیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی و السید فضل الله الیزدی الطباطبائی، بیروت: دار المعرفة، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ق/ ۱۹۸۸م.
۷. کلینی، الفروع من الکافی، تصحیح، مقابله و تعلیق: علی اکبر الغفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش.

۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
۹. محمدتقی، مصباح یزدی، ره‌توشه (مشکات)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
۱۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۰۴ق/ ۱۳۶۲ش.
۱۱. مصباح الشریعه، امام صادق علیه السلام، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی، انسان‌شناسی در قرآن، تنظیم و تدوین: محمد فتحعلی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۱۳. مکارم شیرازی و دیگران، پیام قرآن، (تفسیر نمونه موضوعی)، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ش.
۱۴. موسوی اندانی، محمد، روزی دیگر؛ برزخ و معاد از دیدگاه قرآن و روایات، اصفهان: انتشارات بوستان فدک، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۱۵. هندی، علاء الدین علی المتقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۳م.